



شود و فکر

# کودک در میان امواج دانش و تکنیک

شمسی یحییوی فرگوشی | کارشناس ارشد پیش‌ازدین‌شناسی

## سر آغاز

برای بقای خود به کودک‌کنان احتیاج دارد. شخصیت کودک زمانی پایه‌گذاری خواهد شد که او با خودآگاه روح و فضای جمله‌های را که به آن تعلق دارد، در خود جذب کند. در این صورت رفتار او به‌طور گسترده‌ای با شرایطی که در محیط وجود دارد تطبیق پیدا می‌کند. (جان ویزی، ترجمه‌ی فرجاد، ص ۲، ۱۳۸۱)

روزگار بر کودک به آهستگی می‌گذرد بنابراین بزرگ‌ترها حق دارند که کودکی را زمانی دراز تصور کنند از آن چه بر آن‌ها در آن روزگار گذشته است. کودک، تکامل‌یافته و تعلیم‌پذیر متولد می‌شود. او نیز به زندگی در جمله دارد تا چنان ساخته شود که بتواند به مقتضیات زندگی پاسخ دهد، اما جامعه نیز



## الف. تعامل کودک با عصر ارتباطات

کودک پس از آسائگی کم‌کم وارد عرصه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی می‌شود و در ارتباط با جامعه قرار می‌گیرد. در عصری که از آن با عنوان عصر ارتباطات و اطلاعات یاد می‌شود و در آن رایو، تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره، شریان... نقش اساسی ایفا می‌کند. وقتی کودکان به دنیا می‌آیند باید کل دشواری را انجام دهند که \*اطباق با محیط اطراف\* است. آن‌ها برای این اطاق، سخت محتاج درک دنیای اطراف خویش‌اند. در این زمینه نخست پدران و مادران و سپس دستگاه‌های تعلیم‌وتربیت، در مراحل بعدی، نقش اساسی را ایفا می‌کنند و آن در اختیار قرار دادن اطلاعات و آگاهی‌های مورعیاز بچه‌ها برای شناخت بیشتر و اطاق مناسب‌تر با محیط است. (محمد سلطانی فر، مقاله‌ی اینترنت، ۱۳۸۷) کودک در عصر ارتباطات دیگر محدود به محیط آموزشی، کلاس و مربی نیست و در اطراف لو امکانات و وسایل مدرن وجود دارد. کودک دیگر فردی اجتماعی است که آموزشش باید در رابطه با نیازهای خاص خودش صورت بگیرد. دیگر محتوای بیست سال گذشته برای آموزش به او در مراکز پیش‌دستانی نیست و مدرس کارایی با این همه پیشرفت ندارد و هم‌چنین تفاوت‌های فردی اجتماعی، اقتصادی کودکان و تنوعات در بین آن‌ها روزافزون شده و نوآوری و تحول در آموزش و پرورش رودی داریم دارد. (جان ویزی، ترجمه‌ی فرجاد، ۱۳۸۱، ص ۳۱)

از ضرورت‌های عصر اطلاعات، نیاز آموزش و پرورش به آن نوع تعلیم و تربیتی است که فراگیران را برای روبارویی با چالش‌های زندگی در حال تغییر و غیرقابل پیش‌بینی آماده سازد از مهم‌ترین شاخص‌های جامعه‌ی مدرن وسایل ارتباط جمعی است. در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی، با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله‌ی افکار و عقاید عمومی در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری که قبلاً توسط نظام آموزشی صورت می‌گرفت نقش بزرگی را به عهده دارد که خود عصری نو پدید می‌آورد و بر تمامی ارکان جامعه مؤثر است. در این میان نقش رسانه‌های تصویری به خصوص تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها برجسته‌تر است، و در مقایسه با دیگر رسانه‌ها از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. تلویزیون با حضور بلاعارض خود در خانه‌ها، بیشترین تأثیر را روی خانواده‌ها به‌ویژه کودکان کودکان می‌گذارد. (محمد سلطانی فر، ۱۳۸۷، مقاله از اینترنت ص ۱)

بر حسب تحقیقات به عمل آمده نظریه‌پردازان وسایل

ارتباط جمعی پیرامون تلویزیون سه نوع تأثیر را مطرح کرده‌اند:

۱. تأثیرات ادراکی: که رابطه‌ی نزدیکی با رفتار دارد و از این جهت مرجعی را برای احساس فرد نسبت به موقعیت مختلف، گرایش‌ها، عقاید و ارزش‌هایشان به وجود می‌آورد.

۲. تأثیرات عاطفی: که شامل مقولات احساسی و عاطفی، مانند علاقه‌مندی یا احساس تفر است.

۳. تأثیرات رفتاری: مجموعه‌ی تأثیراتی که اکثر مردم در آن سهیم‌اند، اما میزانی که در آن کنش افراد تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اهمیت بیشتری دارد.

در واقع تلویزیون در رفتارهای عادی و عاطفی از این تأثیر بر احراک افراد و به‌صورت تدریجی تأثیر گذاشته و در نهایت موجب تغییر نظام ارزش‌های فرد، گروه اجتماعی، گروه سنی و یا در مجموع موجب تغییر ارزش‌ها و باورهای اجتماعی یک جامعه می‌شود. (ویلیام شران، ترجمه‌ی حقیقت کاشانی، ۱۳۸۲)

لذا تأثیر گذاری تلویزیون ضمن تدریجی، غیر آشکار و ملموس بودن، خیلی اساسی، عمیق و گسترده است و این امری است که در مورد کودکان بسیار جدی و قابل ملاحظه است. هر وسیله‌ی ارتباطی به خصوص تلویزیون با دادن اطلاعات تازه به طرق گوناگون بر نظام ارزش‌ها و تغییر آن‌ها تأثیر می‌گذارد که این تأثیر گذاری و نحوه‌ی آن را می‌توان چنین نشان داد: نمودار ۱۱

## بررسی تعاملات کودک و تلویزیون

تلویزیون بیش از هر رسانه‌ی دیگر به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. نقش این رسانه در نحوه‌ی یادگیری و چگونگی برقراری ارتباط و هم‌چنین شیوه‌ی زندگی بسیار چشمگیر و قابل ملاحظه است. تلویزیون یکی از مهم‌ترین وسیله‌های توسعه‌ی فرهنگی در جامعه است. نقش تلویزیون به عنوان آموزش و آگاهی‌دهنده بسیار واضح است. (کارن بوران، ۱۳۷۶، ص ۳۲)

کودکان کشر وسیعی از تماشاگران تلویزیون را تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که به سختی می‌توان آن‌ها را از تماشا منع کرد. تلویزیون از جهات مختلف، به دلیل به‌کارگیری هم‌زمان حس بینایی و شنوایی و امکانات دسترسی مستقیم کودک به آن در محیط خانه و هم‌چنین به لحاظ





جدایات‌های تصویری که هم‌زمان با فشار دگمه‌ای می‌توان آن را متنوع کرد جایگهی فراتر از رسانه‌های دیگر برای کودک دارد. کودکان با تلویزیون بیش از سایر رسانه‌های دیگر درگیرند؛ به عبارت دیگر علاقه‌ی کودکان به تلویزیون بیش از سایر رسانه‌هاست. (صادقیان، ص ۱ - ۱۳۸)

از طرفی کودکان از سن ۵ یا ۶ سالگی تحت تعلیم نظام آموزشی قرار می‌گیرند. پدیده‌ی آموزش رسمی در جوامع بشری امری کلاماً تازه است و توجه به دوره‌ی پیش‌دبستان، به‌عنوان سن کبلی از ورود به مدرسه، امری نوین است که توجه بسیاری از جوامع مدرن و پیشرفته را متوجه خود ساخته است. نظام‌های آموزشی از طرفی تحت تأثیر فشارهای بیرونی (وضع اجتماعی، رسانه‌ها، عوامل اقتصادی) و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل درونی (دانش و تکنیک) قرار می‌گیرند. (جان ویزی، ترجمه‌ی فرجاد، ص ۳ - ۱۳۸۱)

حال کودکی را در نظر بگیریم که از سویی در تعامل با نظام آموزشی در دوره‌ی پیش از دبستان است و در حساس‌ترین دوره‌ی رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی خود قرار دارد و از سوی دیگر با فشار دادن دگمه‌ای وارد دنیای وارد حیرت‌انگیز و جذاب تلویزیون می‌شود. این سوالات مطرح می‌گردد که وظیفه‌ی این دو نظام مهم در عرصه‌های گوناگون زندگی کودک چیست؟ همان‌طور که می‌دانیم کودک از زمان تولد و حتی قبل از تولد، با جهان پیرامون خود آشنا می‌شود، و با توجه زندگی مدرن و ارتباطی این عصر، سرعت پیشرفت او در آشنایی با جهان و محیط

اطراف او برای اطرافش موضوعی شگفت‌انگیز است و این جریان به تدریج پای او را به نظام آموزشی بلز می‌کند. اما آموزش و پرورش تنها در یادگیری در مراکز پیش‌دبستانی و مدارس خلاصه نمی‌شود، بلکه کودک از طرفی توسط تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی با ارزش‌های موجود در جامعه‌ی خود آشنا می‌شود.

حال این سؤال مطرح می‌شود آیا دگرگویی در محتوای برنامه‌ها و فعالیت‌های پیش‌دبستانی که به کل نظام آموزشی برمی‌گردد با توجه به دگرگویی‌های موجود در عصر رسانه و ارتباط ضروری به‌نظر می‌رسد؟

از پژوهش‌های به‌عمل آمده تاکنون به‌نظر می‌رسد که تلویزیون به کودکان این امکان را می‌دهد تا در ماجراهای پشت پرده‌ی زندگی کودکان خود رسوخ کنند و دنیا و مردم را بهتر بشناسند و در نتیجه راحت‌تر خود را با جامعه هماهنگ کنند. به‌نظر می‌رسد تلویزیون از نگاه پژوهشگران بیشتر نقش آموزشی و تربیتی دارد، که به ایجاد زمینه‌هایی برای یادگیری مخاطبین کم‌سن خود می‌پردازد، در جودج مدرن امروزی آن چه نظام آموزش رسمی به کودک می‌آموزد عبرت است از یک یادگیری سطحی که به دنبال آن تجربیات کودک در ارتباط با اطراف خود آن را کمال می‌بخشد. این تجربیات از طرق مختلف و هم‌چنین نظام رسانه‌ای برای کودک حاصل می‌شود. (امدور، ترجمه‌ی رستمی، ص ۴۰ - ۱۳۲۴)

با توجه به شرحی که در بالا داده شد، ضروری به‌نظر می‌رسد تا نظام رسانه‌ای، به‌خصوص در بخش تلویزیون و هم‌چنین نظام آموزشی کشور در تعامل با یکدیگر باشند و هر کدام برای دیگری نقش مکمل داشته باشند تا این چنین کودک در تعامل با این دو بخش به یک الگوی واحدی از نظام ارزشی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری برسد و بتواند حساس‌ترین دوره‌ی رشد خود را بدون تناقض و تعارض با همان سرعت در یادگیری سپری کند، برخلاف گذشته، تنها مدرسه، و به‌طور کلی سازمان‌های آموزشی، انحصار آموختن را در دست ندارند، بلکه آموزش و پرورش در همه جای جامعه به چشم می‌خورد. آموزشی که توسط رسانه‌ها عرضه می‌شود، آموزشی غیرتجربیدی و چند بعدی است و کودک می‌تواند ضمن گذراندن زمانی خوش با تلویزیون به آموزش هم که جنبه‌ی فرهنگی دارد بپردازد. این دو نظام می‌تواند با پاسخ‌دهی مناسب به این سؤال که: ۱. چه کسی باید مورد آموزش قرار گیرد؟ ۲. چه چیزی را باید آموخت و با در نظر گرفتن ویژگی‌های رشد عاطفی جسمی، ذهنی، اجتماعی و اخلاقی، به کودک کمک کند تا به هویتی هماهنگ و مناسب با جامعه و اطراف خود دست یابد.





**تلویزیون**

تعداد ارزشی ← فکتاب میان ارزش هنر ← صراحت یافتن ارزش ها ← تغییر لوگویت ارزشی  
 اطلاعات تازه ← افزایش قدرت مقایسه ← افزایش ناهماهنگی ← احساس نارضایتی ← تغییر در سلسله مراتب ارزش ها ← تغییر ارزشی  
 نمودن تدریجی در اعتقادات ← ایجاد عادت های تدریجی ← تغییر در فکتاب ها ← تغییر تدریجی ارزش ها  
 (مرکز پژوهش های اسلامی عسما و سعید، ص ۵، ۱۳۸۲، مقاله ای کودک در برابر تلویزیون)

8. <http://www.islamsharif.com>

9. <http://www.islamsharif.com> (مجلات دکتر محمد سلطانزاده)

10. <http://www.kids.gov.ir>

بابانامه و مجلات تخصصی استفاده شده در متن:

- مرکز پژوهش های اسلامی عسما و سعید - استفاده ۱۳۸۰ - کودک در برابر تلویزیون - تالیف: حامد شاکری بر شدت علاقه به تلویزیون و میزان تماشاگر تلویزیون و تأثیر پذیری کودکان
- بابانامه - حمید حدادقیان - عنوان: شخصیت پردازی در سریال های کارتونی خارجی بخش شده از گروه کودک و نوجوان شگفتی دوم سعید - ۱۳۸۰ - دانشگاه تربیت مدرس

**منابع**

۱. تلویزیون و کودکان رسانه های خاص برای مخاطبان خاص، احمدی - ترجمه ی علی رفیعی - انتشارات سروش چاپ اول ۱۳۷۴
۲. تلویزیون در زندگی کودکان ماه نوبل و پلر شرام ترجمه ی محمود خلیف کاشانی - انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سخن پرنانه ای عسما و سعید - ۱۳۸۰
۳. آموزش و پرورش در جهان نو - جان ویری - ترجمه ی دکتر محمد علی حداد - انتشارات رسانه الکترونیک بهار ۱۳۸۱
- از این منابع نیز لایه لای متن استفاده شده است:
۱. گلش مفاخر فرهنگ و رسانه - فصل نامه ی تحلیلی و پژوهشی ارتباطات جمعی - دکتر محمد عسما و سعید - ۱۳۸۰
۲. دایسون و دیگران، عنوان: وسایل ارتباط جمعی و تحریکات سیاسی - ترجمه: پرویز علوی - مجله ی پژوهش و سخن رسانه ۱۳۷۴
۳. رسانه و کودک تجربه ی تغییر فرهنگ دانش پژوهی - پژوهش های ارتباطات ۱۳۸۰

